

دوست من زمین!

قصه

تا بندها دشون توی سطل زباله. کاوه دیگه باید می رفت خونه شون؛ برای همین از زمین خداحافظی کرد. زمین که حالا بهتر نفس می کشید از کاوه تشکر کرد و بهش گفت: «مثل این که یادت رفته من همیشه همراهت هستم، خداحافظی لازم نیست». کاوه با خنده گفت: «آره راست میگویی، من و تو از این به بعد همیشه دوست و همراه هم هستیم». بچه ها! به نظر شما، برای بهتر کردن حال زمین چه کارهایی میشه کرد؟



یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود، یه کره زمین بود! کره زمین از خیلی سال پیش، آدم ها رو روی خودش جا داده بود و با مهر بونی از شون پذیرایی می کرد. اون، جنگل و دریا و دشت و صحرا و گل های زیبایش رو بادت و دلپازی در اختیار آدم ها قرار می داد و از این که می تونست حال همه رو خوب کنه، خیلی خوشحال بود. اما مدتی بود که حال زمین خیلی خوب نبود؛ همیشه درد داشت و سرفه می کرد؛ ولی نمی تونست با کسی درد دل کنه، آخه کسی صدایش رو نمی شنید. اما روزی از روزها، اتفاق عجیبی افتاد. یه پسر کوچولو به اسم کاوه که با خانواده اش رفته بود لب دریا، صدای ناله زمین رو شنید. لب ساحل، کلی زباله ریخته بود و زمین داشت بلند بلند گریه می کرد. کاوه که نمی دونست صدا از کجا میاد و کمی هم ترسیده بود، پرسید: «آهای! کی داره گریه می کنه؟». زمین هم از این که یه آدمیزاد صدایش رو شنیده بود، تعجب کرد و با احتیاط گفت: «منم پسر جون! این جا زیر پات». کاوه که این حرف رو شنید، پاش رو آهسته بلند کرد اما چیزی ندید. زمین گفت: «من هنوزم زیر پات هستم پسر. راستش هر جا که بری باز منم زیر پات هستم، من زمینم! کاوه پرسید: «چرا داشتی گریه می کردی؟». زمین گفت: «این زباله ها نفسم رو بند آورده». کاوه گفت: «آره، خیلی هم بوی بدی داره. ولی نگران نباش من الان جمعشون می کنم». کاوه چند دقیقه بعد، با کمک پدر و مادرش چند تا کیسه زباله رو محکم گره زد و گذاشت توی صندوق عقب ماشین

سلام

این روزهای قشنگ آخر سال!

سلام به دوستان قشنگ من و داداش کوشا! همه دوستان خوب صفحه رنگارنگ فرفره. از ته دل برای همه تون آرزوی سلامتی و شادی دارم. بچه ها! امروز، روز «احسان و نیکوکاریه». فرصتی که هر کدوم از ما می تونیم با خرید یه هدیه کوچولو یا پول توجیبی هامون برای همسن و سال های خودمون که ممکنه برای عید نوروز، کفش و لباس و جوراب و روسری نو نداشته باشند، دلشون رو شاد کنیم. راستی! فردا هم روز «درخت کاریه». من و همکلاسی هام قراره با کمک معلم مهر بونمون، چند تا نهال کوچولو توی حیاط مدرسه بکاریم. خانم معلم می گه کاشتن درخت، اگه در زمان مناسب و توی خاک مناسب و با مراقبت انجام بشه، کار خیلی خوبیه.

خرطوم همه کاره!

دانستنی ها

بچه ها تا حالا به «فیل» رواز نزدیک یا توی تلویزیون دیدید؟ شاید گوش های بزرگ و خرطوم درازش برای شما هم جالب بوده. تا حالا با خودتون فکر کردید فیل با خرطومش چه کارهایی می تونه انجام بده؟ خرطوم فیل مثل بینی ما آدم ها برای نفس کشیدن، دیگه این که فیل با خرطومش آب هم می نوشه؛ اون اول آب رو با خرطومش بالا می کشه و بعد از گلوش می فرسته پایین. اما اگه فیل بخواد میوه به شاخه بلند رو بخوره و قدش به اون نرسه چی؟ خرطوم این جاهم مثل دست عمل می کنه و شاخه رو تا نزدیک دهن فیل پایین میاره. یکی دیگه از کاربردهای خرطوم، اینه که مامان فیل ها با خرطومشون، بچه هاشون رو لمس و نوازش می کنند.



آخرین ماه سال

شعر



آمد دوباره از راه، ماه قشنگ اسفند
پُر شد زمین دوباره، از انتظار و لبخند
کم می شود در این ماه، توفان و سوز و سرما
ماه خرید عید و خانه تکانی ما
یک ماه مانده تا عید، شد ماه آخر سال
هستیم مادر این ماه، پر جنب و جوش و خوشحال
شاعر: عفت زینلی



آثار شما



زینب صابری

یار سابر و مند

فرحس رباط خیری

محمد مهدی نقیه الاسلامی

یسنا غلامی

دوست من!

آقای باغبون، ۹ تا از وسایلت رو توی باغ گم کرده و به کمکت نیاز داره. خوب به تصویر نگاه کن و هر وسیله ای رو که پیدا کردی، علامت بزن.

سرگرمی



زنبور انگشتی

کاردستی

وسایل لازم: مقوای زرد، مقوای سفید، کاموا، قیچی، چسب، مدادشمعی
۱. از روی مقوای زرد دو تا دایره متوسط و بزرگ ببر.
۲. دایره بزرگ تر که تنه زنبور هست رو با مداد شمعی یا روان نویس مشکی، راه راه رنگ کن.
۳. برای دایره کوچک تر که صورت زنبوره، چشم و دهن بکش.
۴. از روی مقوای سفید یک دایره بزرگ ببر. بعد از وسط دو قسمتش کن. اینا بال های زنبور مونه.
۵. دو تا تیکه کاموای کوچک هم برای شاخک ها ببر.
۶. دو تا دایره به اندازه انگشت های دست توی قسمت پایین بدن زنبور ایجاد کن.
۷. همه قطعه ها رو مثل عکس به هم بچسبون. زنبورت برای پرواز و نشستن روی گل ها آماده است.

